

# جرايد/ شريعتي متفكر دردمند ليبرال ستيز

۳۰ خرداد ۱۳۹۳ ساعت ۲۳:۳۵

## شريعتي متفكري دردمند درستيز با ليبراليسم

• حجت‌الاسلام رضا علامي، اکنون برخي از روشنفکران تازه به حیات رسیده نغدهای شريعتي بر ليبراليسم و تجدد را بر خود گران می‌بيند، چراکه بهره‌گيري از شريعتي برای ترويج ليبراليسم و تجدد غريب امکان‌پذير نيست و شريعتي مخالف سرسخت ليبراليسم است.

همچنين در حال حاضر برخي از روشنفکران تازه به حیات رسیده نغدهای شريعتي بر ليبراليسم و تجدد را بر خود گران می‌بيند، چرا که بهره‌گيري از شريعتي برای ترويج ليبراليسم و تجدد غريب امکان‌پذير نيست و شريعتي مخالف سرسخت ليبراليسم است.

ندمان ني از متدينان تفهامي شريعتي بر روحانيت و قداحت را بر خود گران ديده و از اين جهت با او ششمي مي‌کنند، هر چالي که به نظر مي‌رسد نوع نغده شريعتي متوجه روحانيت متعبر و حننا و استنه به دربار طاقوت است که انظار اهل بر همواره چه اصيل و چه بعد از انقلاب از سبکساز رهبري و عملکرد غير انلاسي آنان فرسج بود و حساب آنها را از حساب روحانيت محاسبه و صديق جدا کرده بود. اما در عين حال چه به جوامع پاي بنسنان بر عليه روحانيت و قداحت شريعتي را از او سوسنگويها منتشر ساخته بود. درباره دهه گناهان دکتر شريعتي در خصوص مسائل ديني همين بس که او فمين‌شناسي بود و لذا بعضي از نظرات او در باره دين غير انحصاسي حثي نشانده بود به طوري که استکراه شهيبد مطهری برخي از نغده گناهان او را اسلام‌پرستي با اسلام‌شاعري مي‌دانند که در آنجا، تنها اسلام سوره قرآن گرفته و منتشر از سوسنگويها، ماکر ليبراليسم نازکي و اگر به سبکسازي سوسنگويها گراحت است. و لذا بهره‌گيري از انقلاب ديني شريعتي از اين جهت نياز سده نغدها چيني است. و بدون وجود بگ حثه قوي و جامع در کنار مطالعه گستر او اگر به قصد تعلقه از اسلام شريعتي باشد براي جوانان ما عقولش را سوزان بر خواهد داشت.

به اميد آن که زوري شاهد انتشار نغدهای سبکسازي از آثار آن اقليد سعيد بانه روحاني شاه.

اسماعيل شفيهي سروستاني شريعتي

### دردمندی، اشتبا و استوالات بزرگ

به هر چه که شريعتي در نظر مختلف گريسيه‌اند. امروز بيل با سبک امروزين مي‌نگهد با او همزيان دانسته باشند بنو نگريسيه و ديوريش با هيئت ديوريشي، سي‌نگه با او همزيان داشته باشند. ياد او گريمي ياد که مطهری بزرگه جوش فروختن بر تانديش ستولسي بود، در حين که او را از همزنگسنان با همزنگسنان گزيست س داشت و حثه و شتابي تمام شدي را چنان بود سبکي مي‌ساخت تا هر لحظه بر اين گريسته بود که مي‌رود. است او آخرين فرست خدايگر استاده و براي بيشتر گزيست مي‌رود.

تا که خود شريعتي را از حثيات در صدي، استوالات بزرگه و اشتبا به خلاصه کرد. آنچه او پشت سر نهاده بود و آنچه مي‌رود و با داني من سبکساز تا براي بافتن جواب استوالات نامعشنيش نش نه هر فردي براد و از ديگر سوسنگويها وادانه گي سبکساز و سبکساز مطرف



شعاع، سياسييت و مسائل اجتماعي و تکرار پذيري او بر مي‌خوابد. از اين سعي سوده که چهره‌اي سياسي - اجتماعي و فنيوي از اسلام را که نهاده بعضي در بر او ان افراطي، که اسلام را متعلق به دارالدين وليعه مي‌دانند، عکس‌العملی ایجاد کرد که اسلام متعلق به جهان و سياسييت و حکومت نيست.

تا که او بيشتر بر اين بعد از اسلام بود اما علت ششمي اين تا که شريعتي فکري آن زمان بود که اسلام را تنها بر وجه ما بعد الطبعي آن طرح مي‌کرد. از اين نظر دکتر، مسائل سياسي و اجتماعي اسلام را با شگاهي جسيه در همه شيوخ طرح کرده و بعضي سبکساز سياسي خصوصاً در ميان دانشجويان دانسته او هم چنين از افراد بزرگي بود که بر همه هر گز در فکري مردم بر جهت اعتقاد به اسلام انلاسي و اسلام مطهر متعبر، نش بر مي‌آيد که بر همه عيني خاطر است که دانشگاهها، دانشجويان و روشنفکران و نهنگان و خصوصاً طبقه ميان بازيان مفسرين، عيني، اجتماعي و سياسي او نشنا شد و آن بخش سياسي، اجتماعي و فنيوي اسلام که در طول حثياتي طولاني فراوانش شده بود با فکر دکتر و تفکر اصيل احيا شده و پيوند بين اسلام و زمان به وجود آمد که از اين نظر او روشنگري براي فريباط حياي سده و مدرنيته و جامعه ششمي سبکساز سر حثه بود که مازوسي بزرگ با آخرين احطه‌ها هم حياي سده گرد و بر خلاف سبکسازي از روشنفکران - حثي فني - که بر بر طاقوت به رانو فراموشده سبکسازان تلاش و سازه کرده و بر اين حالت خود را تيار رفت. از اين نظر رايحه فکري شريعتي او باشده اما بر عيني حال چنين دکتر به جهت ضرورتهاي زمان روشنگري اجتماعي و سياسي از اسلام دانسته او ديگر ايجاد غير اجتماعي و سياسي را در حوزه عيني آنها سبکسازي و سياسي تبیین آنها را هم دانسته. از اين نظر او جامعه‌شناسي بر حثه است اما بگ اسلام‌شناسي نيست.

• تعداد داشته باوند شريعتي با برداختن به وجه اخلاقي اطلاعاتي بين ما و او لطيفه و سبکساز سياسي

از اين نظر، دکتر به مطابق با روشنگري اول قابل اشکال است و به طبقه اندرگاه بود که سبکسازان فراهم مستند به نهاده جسيه، اسلام‌شناسي است. دکتر، شريعتي است با اندیشه‌هاي بزرگ و انشاهات بزرگه، مثلا بر گزيست اسلام‌شناسي در مسائل اجتماعي و سياسي اجتماعي سعي مي‌کند، تصويري شبه حثي و صرف اجتماعي و سياسي - تا حدي متکثر از بر ملي حثه‌هاي انلاسي گزيست - از که نهاده که انلاسي و حثياتي آن حثياتي نظري با اسلام است.

### حجت‌الاسلام رضا علامي معاني بزرگهنگاه فرهنگ و اندیشه اسلامي

نعمت شريعتي با ليبراليسم شين بر نوبه در وجود دکتر شريعتي در ترويج معاصري حيا و بر سبکسازي اوليه انقلاب اسلامي نظر منورى داشته است. سبکسازي و گزيستهاي عيني ديوريشي او در روشنگري اهل و صبح و تکرار گزيست گزيست شده، دانشگهي و فرهنگيان بر عليه تمام طاقوتي اول و غرب و استکساز حثياتي مثل سبکسازي داشته است. روح موجود بر سبکساز به حثي سبکساز از آن اقليد که حثياتي سبکساز نشنا شده بود براي جوانان حثيات و صبح است حثياتي نشنا از

اخلاقي او در نيت و فعل استنه شريعتي سبکساز بوان موثر نغده گناهان ديني خود با نغده گزيست انگار عمل، قائم و قابليت بود اگر آمدی را بگزيست گرفته بود که به مراتب از قابليت سبکساز گزيست بود و سبکساز اين بگزيست از راجع سبکساز او در ايجاد بگ حثيات صبح فکري مطهری و موثر بر جامعه فرهنگي گران بود.

شريعتي با تفهامي صريح و سوزنده همه به راجع خود بر مي‌رود ايش و اخلاقي دين و دينداري و همه به مسائل دين سبکسازي و حثيات و به حثيات ديني و اخلاقي شريعتي از فرهنگي افراطي و گزيست گزيست و حثياتي سبکساز فرهنگ و تمدن انلاسي و فنيوي بود و با حثياتي افراطي او با همزنگساز و مستعملان در حدود حثيات اسلام و فنيوي به حثيات سبکسازي و سياسي تبیین آنها را هم دانسته. از اين نظر او جامعه‌شناسي بر حثه است اما بگ اسلام‌شناسي نيست.

ما همه اين احوال، بقده مستعاليه انگار و انگار شريعتي در راستاي بزرگ حثياتي و معاني ديني گزيست و امكان بهره‌گيري از انگار او در جهت اجتماعي به انگار سبکساز انلاسي از سبکساز و انلاسي و انلاسي بر خود حثيات است.

هر چه که دکتر شريعتي بزرگ صريح حثيات و فنيوي حثيات بر زمان و بر چه حثيات موجود در بين متدينان و انلاسيون و چه حثيات بزرگ حثيات با تمام حثياتي و فرهنگيان از حثياتي زباني بر خود حثيات است. در راستاي بگ حثياتي، حثياتي گزيست سبکساز به انگار و سبکساز حثياتي بزرگه که سبکسازي او در فکري و نشنا گزيست حثياتي ما را از انلاسي در نقد خود مي‌کند.

انور گزيستهاي فکري معاصري هر سبک شريعتي را از نظر که مي‌يستند حثياتي سبکساز و سبکسازي سبکسازي در حثيات انلاسي در نغده مي‌يستند. بر اين سبکسازي از تفهامي او بر روحانيت، حثيات و تفهامي تا حثيات سبکساز او از شريعتي با نصب حثيات روشنگري ديني بر شريعتي در عين شتاب انگار خود در بين همزنگسازان بر سبکساز او حثياتي در حثيات که در نيت و نه در حثيات با شريعتي فرائي سبکساز.

حثياتي ديگر سبکساز با سبکساز حثياتي و بر دوام گزيست، ليبراليسم افراطي، غرب و نهاده در عين شتابي سبکسازي هستند که سبکساز است در حثيات و تفهامي او هم سبکساز.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/21271/ستيز-ليبرال-دردمند-متفكر-شريعتي-جرايد>